

بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه سخت، نیمه سخت و نرم

دکتر علی محمد نائینی^۱

تاریخ ارائه: ۱۹/۸/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۹/۹/۲۷

چکیده

یکی از روش‌های مناسب فهم تهدیدها، طبقه‌بندی آنها براساس شاخص و مؤلفه‌های متفاوت است. طبقه‌بندی تهدیدها، ابعاد و زوایای مختلف آن را نمایان می‌سازد و به برآورد تهدیدها، سیاستگذاری و تدوین رهنامه و راهبردهای مقابله با آن کمک می‌کند. یک نوع طبقه‌بندی از تهدیدها که در سال‌های اخیر و به ویژه در داخل ج.ا. ایران مورد توجه قرار گرفته است، طبقه‌بندی تهدیدها بر مبنای «روش اعمال و پیامد تهدید» است. بر این اساس، تهدیدهای امنیت ملی به تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم شده است. این طبقه‌بندی تهدیدها، برای تبیین راهبرد جنگ نرم غرب در مقابله با نظام جمهوری اسلامی براساس ضرورت‌های کشور ساخته شده است. بیشتر کارشناسان نظامی، امنیتی و فرهنگی دهه اول انقلاب اسلامی را دهه تهدیدهای امنیتی (نیمه سخت) و نظامی (سخت) و آغاز دهه سوم را همزمان با دهه شکل‌گیری تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی (تهدیدهای نرم) معرفی می‌کنند. در این مقاله تلاش گردیده با معیارهایی از جمله ماهیت، ویژگی‌ها، هدف‌ها، ابزار، روش و پیامد، تهدیدهای سه‌گانه سخت، نیمه سخت و نرم بررسی تطبیقی گردد. این نوع طبقه‌بندی می‌تواند، به تبیین و شناخت تهدیدهای کنونی کشور کمک نماید.

واژگان کلیدی: ج.ا. ایران، تهدید سخت، تهدید نیمه سخت و تهدید نرم، براندازی، آسیب‌پذیری.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) و رئیس دانشکده فرهنگی - اجتماعی دانشگاه امام حسین (ع).

مقدمه

تهدید یک حالت، وضعیت خاص، رفتار و پدیده‌ای است که برداشت‌های گوناگونی از آن وجود دارد و حد و مرز آن اعتباری و به عبارتی، زمانمند و مکانمند است. مبانی فکری، اندیشه سیاسی و محیط امنیتی بر تعریف تهدید، قدرت و امنیت تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. ممکن است پدیده و یا مسئله‌ای برای جامعه‌ای، پدیده‌ای عادی و یا مسئله‌ای اجتماعی باشد، در حالی که همان پدیده و وضعیت برای جامعه دیگر مسئله‌ای غیر عادی، خطر یا بحران امنیتی به شمار آید. بنابراین ماهیت، نوع، شدت، سطح تهدیدها، تابع فرهنگ راهبردی، عقاید و نگرش بازیگران، محیط اجتماعی و ملی محل وقوع تهدید می‌باشد. تری تریف^۱ و همکاران او معتقدند اختلاف زمان، مکان، ارزش‌ها، منافع و بازیگران، چهره‌های گوناگونی از تهدید را تولید می‌کنند. برخی از نظریه‌ها مانند واقع‌گرایی سنتی، همان‌گونه که قدرت نظامی را قدرت اصلی و ثابت می‌دانند، جنگ را به‌عنوان تهدید اصلی و ثابت به‌شمار می‌آورد (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۸). بنابراین امنیت و تهدید، مفاهیمی نسبی و تابع زمان و مکان هستند. هیچ کشوری نمی‌تواند به امنیت مطلق دست یابد و یا فاقد هیچ گونه قدرت ملی در برابر تهدیدها باشد؛ چرا که کشورها براساس افزایش قدرت ملی خود، تهدیدها را کاهش داده و امنیت ملی خود را افزایش می‌دهند. از سوی دیگر اغلب براساس دوره‌های گوناگون، نگرش‌های مختلف به امنیت و تهدید وجود دارد، و سرانجام از جهت ماهیت، تهدیدهای کشورها وضعیت یکسانی ندارند، ممکن است کشوری امنیت داخلی کافی داشته باشد، ولی تهدیدهای خارجی آن جدی باشد، یا اینکه از لحاظ نظامی، از وضعیت مناسبی برخوردار باشد، اما ارزش‌های فرهنگی و الگوهای رفتار سیاسی آن کشور در معرض خطر و شکست قرار گیرد.

1. Terry Terriff

تهدید مانند امنیت، مفهومی زمینه‌ای و وابسته است. امنیت با ارزش‌ها، تهدیدها و توانایی‌ها درک می‌شود و تهدید در بین مجموعه‌ای از شرایط و متغیرها معنی می‌یابد. به همین دلیل باید گفت: تهدید یک مفهوم پسینی است. همچنین تهدید بر خلاف سایر پدیده‌ها، به دلیل افزایش منابع احتمالی خطر، به راحتی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، غالب پدیده‌های طبیعی، مادی، انسانی و معنوی می‌توانند با تغییراتی، شکل و وصف تهدید پیدا کنند (گروه مطالعاتی امنیت دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۵).

گفتمان‌های امنیتی نرم موجب تحول در مفهوم قدرت، امنیت و تهدید گردیده است. در گفتمان سنتی، امنیت با نبود عاملی دیگر که از آن به «تهدید» یاد می‌شود، تعریف شده است. این گفتمان دارای پیشینه تاریخی طولانی بوده و شاخص بارز آن، تأکید بر بُعد نظامی در تحلیل امنیت و تهدیدهاست. بر این مبنا، برای مقابله با تهدید، بر مؤلفه قدرت نظامی تأکید می‌شود و راهبرد آن، افزایش قدرت نظامی است. بنابراین تهدید از منظر سلبی دارای سه ویژگی است: اول آنکه، این تهدیدها اغلب برون‌گرا هستند. دوم آنکه، به شدت سخت‌افزاری و از جنس قدرت است. سوم آنکه، پاسخ به این تهدیدها، مبتنی بر قدرت نظامی است. در گفتمان نوین امنیت ملی، تهدیدها و قدرت، چند وجهی و دارای ابعاد مختلفی هستند. به عبارتی، امنیت، تهدید و قدرت، پدیده‌هایی متأثر از پدیده‌های گوناگون مادی و ذهنی، و دارای وجوه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. بنابراین تهدیدها در این رویکرد، شامل تهدیدهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... می‌باشند. همچنین قدرت دارای ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... است. بنابراین امنیت بر پایه ملاحظه‌های نرم‌افزارانه در محیط ملی و جهانی بوده و در مجموع، قدرت نرم بنیاد، زیرساخت و جوهر اصلی امنیت همه‌جانبه یک نظام سیاسی خواهد بود (افتخاری، ۱۳۸۷). در مکتب‌ها و رهیافت‌های گوناگون امنیت ملی، تهدیدها از چند جهت مورد توجه قرار گرفته‌اند. از یکسو نقش و جایگاه تهدید مورد توجه بوده و به این پرسش پاسخ داده شده که آیا تهدید در امنیت

ملی، نقش محوری دارد یا نقش حاشیه‌ای؟ در برخی از نظریه‌های امنیتی مانند نظریه واقع‌گرایی و مکتب کپنهاگ، تهدید، مسئله اصلی امنیت ملی تلقی می‌گردد. در برخی دیگر از نظریه‌ها - مانند نظریه‌های آرمان‌گرایی، قدرت نرم و سازه‌انگاری - تهدید، فاقد نقش محوری بوده و مسائل دیگری اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر، برخی از نظریه‌ها، سطوح تهدیدها را بررسی کرده‌اند. در حالی که در برخی از نظریه‌های امنیتی بر تهدیدهای نظام‌مند، جهانی و منطقه‌ای تأکید شده، در برخی دیگر از نظریه‌های امنیتی، نگاه به درون نظام‌های سیاسی بوده و بر سطح اجتماعی و فردی تهدید و یا بر سطوح داخلی آن تأکید بیشتری گردیده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵).

یکی از مشکلات شناخت تهدیدهای امنیت ملی، درآمیختگی آن با آسیب‌های امنیت ملی است. در تفاوت تهدید و آسیب، گفته شده که: تهدیدها منشأ بیرونی، خارجی، دشمنی و خصومتی دارند، در حالی که آسیب‌ها منشأ داخلی، درون‌نظامی داشته و به ناتوانی و ضعف درونی یک کشور مربوط می‌شوند. هر چند ارتباط بین تهدید و آسیب را می‌توان پذیرفت. آسیب‌های داخلی در تسریع تهدیدها مؤثرند و توانایی مقابله با تهدیدها را کاهش می‌دهند. باری بوزان^۱، آسیب را در برابر تهدید به‌کار می‌برد و از این‌رو به تمایز ابعاد داخلی و خارجی آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، آسیب‌پذیری‌ها وجه داخلی نامنی و تهدیدها بُعد خارجی آن تلقی می‌گردد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۶). در مورد رابطه آسیب و تهدید می‌توان گفت: هر چه میزان آسیب‌پذیری، بیشتر و جدی‌تر باشد، احتمال وقوع تهدید نیز بیشتر خواهد بود. دشمن به نقطه‌ای حمله می‌کند که احتمال ورود خسارت و صدمه در آن بالا باشد. اقدام به جنگ، زمانی انجام می‌شود که کشور هدف، فاقد توان بازدارندگی دفاعی باشد. بر اساس معیار «دولت‌های قوی و ضعیف» باری بوزان، هر چه دولتی با توجه به عوامل تأثیرگذار فراوان داخلی، ضعیف‌تر باشد، آسیب‌پذیری‌های بیشتری خواهد داشت. این مسئله در افزایش تهدیدها علیه آن دولت

1. Barry Buzan

نیز به طور کامل مؤثر است. در واقع آسیب‌پذیری ممتد داخلی در نتیجه ضعف‌های درونی، موجب افزایش کیفیت و کمیت تهدیدهای بیرونی نیز می‌گردد. تعامل بیش از اندازه آسیب‌پذیری‌های درونی با تهدیدهای خارجی در دولت‌های ضعیف به جایی خواهد رسید که نمی‌توان مرز چندان دقیقی میان آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای دو حوزه قائل شد. ضمن اینکه این تعامل باعث می‌گردد، بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها به تهدیدهای امنیت ملی تبدیل گردند، ولی توانمندی ملی و برخورداری از یک دولت قوی باعث می‌شود، بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها از فرصت کمی برخوردار شوند و از سوی دیگر، تهدیدهای بیرونی نیز تا حدود زیادی با توجه به قدرت درونی، جذب و هضم می‌گردند.

۱. تهدید در گفتمان‌های امنیتی

یکی از روش‌های مناسب در فهم ماهیت پدیده‌ها، طبقه‌بندی آنها بر مبنای عوامل متفاوت است. طبقه‌بندی تهدیدها، ابعاد و زوایای گوناگون تهدید را نمایان می‌سازد. ضمن آنکه با توجه به دسته‌بندی‌های متفاوت که بر اساس ویژگی‌ها یا عوامل متفاوت انجام می‌شود، می‌توان از آنها برای مسائل متفاوت مانند طراحی راهبرد، مقابله با تهدید، تحلیل تهدید یا تفسیر آن استفاده نمود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۶۱). عبداله‌خانی با شش شاخص (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۵۹) و افتخاری با یازده شاخص، عمده‌ترین گونه‌های تهدید را بررسی نموده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۵۹). نظریه‌پردازان غربی نیز دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه داده‌اند. برای مثال، باری بوزان، تهدیدها را به تهدیدهای نظامی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی تقسیم می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۱-۱۶۸). رابرت ماندل^۱، ابعاد اساسی تهدید و امنیت ملی را چهار بُعد اصلی نظامی، اقتصادی، منابع/محیطی و فرهنگی/اجتماعی معرفی می‌کند (ماندل، ۱۳۷۹: ۷۱-۸۵). برخی از صاحب‌نظران معتقدند

1. Robert Mandel

تهدید و به‌کارگیری آن در حوزه امنیت ملی، تابع فرهنگ راهبردی و گفتمان‌های مختلف امنیتی است (عسگری، زمستان ۱۳۸۴: ۳۰-۲). بنابراین در مکاتب و رهیافت‌های مختلف امنیتی، تهدید، نقش و جایگاه متفاوتی دارد. برای مثال در نظریه‌های واقع‌گرایی به‌ویژه نظریه «توازن تهدید» و «مکتب کپنهاگ»، تهدید نقش محوری در امنیت ملی دارد، در حالی که در نظریه‌هایی مانند سازه‌انگاری و نظریه قدرت نرم، تهدید در حاشیه قرار داشته و مسائل دیگر اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر، هدف‌ها، سطح، حوزه‌های تهدید و چگونگی اندازه‌گیری آن در رهیافت‌های امنیتی متفاوت است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵).

Archive of SID

جدول ۱. تهدید در نظریه‌های امنیتی

روش تحصیل امنیت	اندازه‌گیری تهدید		ماهیت تهدید		ابزار اعمال تهدید		ابعاد تهدید			سطح تهدید		نقش و جایگاه تهدید		نظریه‌های امنیتی
	غیرممکن	ممکن	سخت (عینی)	نرم (ذهنی)	اقناع	اجبار	اجتماعی	سیاسی	تقارنی	داخلی (اجتماعی)	خارجی (نظام مند)	حاشیه‌ای	محوری	
موازنه قوا و بازدارندگی		✓	✓			✓				✓	✓		✓	نظریه توازن تهدید
تأثیر بر انتخابات و فرایند تصمیم‌گیری	✓			✓	✓		✓	✓		✓		✓		رهافت نرد اطلاعات
افزایش اعتماد و همکاری	✓			✓	✓		✓	✓		✓		✓		مطالعات امنیتی انتقادی
ایجاد ادراک مشترک	✓		✓		✓		✓	✓		✓		✓		مطالعات امنیتی سازمانگاران
ظرفیت‌سازی سیاسی	✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓		✓	✓	✓		مطالعات امنیتی جهان سوم
موازنه قوا و بازدارندگی		✓	✓		✓	✓	✓	✓	✓		✓		✓	مکتب کپنهاگ
افزایش قدرت نرم	✓			✓	✓		✓			✓		✓		مکتب قدرت نرم

۲. مبانی طبقه‌بندی تهدیدهای سه‌گانه

تهدیدها بر مبنای شاخص‌های مختلفی از جمله منبع، سطح، موضوع، ابزار و شیوه اعمال، دسته‌بندی شده‌اند. نوع دیگر طبقه‌بندی تهدیدها، بر اساس «روش اعمال و پیامد تهدید» است. بر اساس این شاخص، تهدیدهای امنیت ملی به تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم شده‌اند. در مورد این سه گونه تهدید، تلقی واحدی وجود ندارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند، طبقه‌بندی تهدیدها بر اساس سخت و نرم در واقع با خلق مفهوم قدرت نرم ایجاد شده است. این مفهوم بیش از آنکه مفهوم وارداتی باشد، بر اساس ضرورت‌های کشورمان و بیشتر در ادبیات راهبردی، ساخته و پرداخته شده است. هرچند واژه یادشده، در ادبیات راهبردی غرب نیز به کار رفته، ولی در آنجا بسیار محدودتر و بیشتر متوجه تهدیدها در حوزه‌های زیست‌محیطی و جمعیتی است. درباره تهدید سخت و نرم نیز تلقی واحدی وجود ندارد. برخی، تهدیدهای نرم را تهدیدهای غیرنظامی مانند تهدیدهای محیط زیست، جرائم، فساد و... دانسته‌اند. کوفی عنان، دبیرکل سابق سازمان ملل، تهدیدهای سخت این سازمان را تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، و تهدیدهای نرم آن را فقر، ایذر و محیط زیست معرفی کرد. در حالی که تهدیدهای نرم در جمهوری اسلامی ایران، بیشتر متوجه حوزه‌های فرهنگی و سیاسی است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۶۸). در پی ورود وصف «نرم» به حوزه مطالعات امنیتی، شاهد شکل‌گیری رویکردهای متفاوتی در تبیین چیستی امنیت نرم می‌باشیم که مهم‌ترین آنها سه رویکرد منبع‌محور، ابزارمحور و هدف‌محور است. در رویکرد منبع‌محور، مبنای تمییز سخت از نرم، نوع منابع قدرت برای تأمین امنیت است. در این رویکرد، منبع قدرت سخت، «استعداد و توان رزمی» و منبع قدرت نرم، «استعداد و توان جذب» است. در رویکرد ابزارمحور، نوع ابزار اعمال قدرت، ملاک، امنیت‌سازی است. در این رویکرد، «ابزار معطوف به فیزیک مانند کاربرد اسلحه» و «ابزار معطوف به ایده مانند کاربرد رسانه» مدنظر است. در رویکرد هدف‌محور، امنیت بر مبنای

هدف‌ها به سخت و نرم تقسیم شده است. در این رویکرد، «هدف‌های محسوس مانند تصرف سرزمین» مورد نظر است در حالی که منظور از هدف نرم، هدف قرار دادن مقولات پیچیده‌ای مانند «یک ایده و نگرش» است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۸). برخی محققان، قدمتی کمتر از دو دهه برای مفهوم‌سازی نرم و سخت قائل هستند. این گروه تأکید کرده‌اند پس از خلق مفهوم «قدرت نرم» از سوی جوزف نای (Nye, 2004)، مفاهیم «تهدید، امنیت، قدرت و جنگ نرم» نیز وارد ادبیات سیاسی و گفتمان‌های نوین امنیتی اخیر شده است. به گمان آنان، تهدید نرم درست در نقطه مقابل قدرت نرم قرار می‌گیرد. به تعبیر روشن‌تر، «افزایش قدرت نرم رقیب یا دشمن به تهدید نرم برای دیگری تبدیل خواهد شد» (نائبی، ۱۳۸۸). افتخاری معتقد است اگرچه مبادی اندیشگی توجه به بُعد نرم پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، دارای ریشه‌های تاریخی طولانی است، اما به‌طور مشخص نظریه‌پردازی جوزف نای با طرح مفهوم قدرت نرم آغازگر تلاش تازه‌ای در این حوزه است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۲). شریفی، جنگ و تهدید را بر اساس ابزارهای به‌کار گرفته شده و با توجه به هدف‌های اصلی از آن به سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم می‌کند (شریفی، ۱۳۸۹). او هدف جنگ سخت را، تسخیر سرزمین و هدف اصلی جنگ نیمه سخت را تغییر حاکمان و مسئولان کشور، و هدف جنگ نرم را تسخیر باورها و ارزش‌های یک ملت می‌داند (شریفی، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۴). عباسی، تهدید و جنگ را بر اساس شدت به منازعه‌های کم‌شدت، شدید و تمام‌عیار و از نظر به‌کارگیری سلاح، به طیف‌های جنگ گرم و جنگ سرد، و از حیث علنی یا مخفی بودن منازعه، آن را به طیف جنگ و تهدیدهای آشکار، نیمه پنهان و پنهان تقسیم می‌کند (عباسی، ۱۳۸۸). ایشان معتقد است، متغیر طبقه‌بندی تهدیدها به سخت، نیمه سخت و نرم، «صلابت و خشنونت» است. او هدف در جنگ سخت را تصرف سرزمین، در جنگ نیمه سخت تصرف حکومت و در جنگ نرم، تصرف مردم می‌داند (عباسی، ۱۳۸۹). همچنین منصوری، تاریخ استعمار را به سه دوره استعمار سنتی (مستقیم)، استعمار نوستی (نوکلاریک)

(غیر مستقیم) و دوره استعمار فرانسه (سلطه جهانی) تقسیم می‌کند (منصوری، ۱۳۸۶). او معتقد است که استعمار سنتی از قرن ۱۶ میلادی شروع شد و تا نیمه قرن ۲۰ میلادی ادامه یافت و مبتنی بر سیاست «استعمارگرایی» یعنی تشکیل مستعمره‌ها از راه تصرف ارضی و سرزمین‌های دیگر بود. مشخصه این استعمار، اعمال سلطه آشکار و مستقیم است. استعمار جدید یا «نواستعمارگرایی» از نیمه قرن ۲۰ میلادی آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است. این نوع استعمار مبتنی بر سیاست غیرمستقیم است. به این معنا که نظام سلطه با اعطای استقلال ظاهری به مستعمره‌ها و کنار گذاشتن سیاست گسترش ارضی به اعمال سلطه غیرمستقیم پرداخته و با روی کار آوردن حکومت‌های دست‌نشانده و ایجاد وابستگی‌های همه‌جانبه، مستعمره‌ها حفظ شد. سرانجام، با شکست دوران حاکمیت فراگیر دو نوع استعمار در سه دهه اخیر، شیوه سلطه نامریی از راه جهانی‌سازی به اجرا در آمد. این جریان ابتدا با غربی‌سازی و پیوند فرهنگ و فناوری و سپس با یکپارچه‌سازی اقتصاد از راه سازمان تجارت جهانی و سپس با برقراری نظم نوین جهانی روند تکمیل سلطه فرهنگی را دنبال کرده است (منصوری، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۰). احمدیان (۱۳۸۵) از دوره استعمار فرانونین با عنوان دوره تهدیدهای نرم و از دوره استعمار فرانسه به عنوان دوره بهره‌گیری از قدرت سیاسی - امنیتی برای تحمیل اراده یا دوره تهدید نیمه سخت و در نهایت از دوره استعمار کهن به عنوان دوره استفاده از قدرت نظامی و یا دوره تهدیدهای سخت نام می‌برد (نائینی، ۱۳۸۸). طبقه‌بندی تهدیدها به سخت، نیمه سخت و نرم با توصیف سه دوره استعمار با این وصف که ابزار و شیوه تحمیل اراده در هر دوره از سوی نظام‌های سلطه متفاوت بوده، تطبیق دارد. همچنین بیشتر کارشناسان نظامی، امنیتی و فرهنگی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، دهه اول انقلاب اسلامی را، دهه غلبه تهدیدهای امنیتی (نیمه سخت) و نظامی (سخت) و دهه سوم را دهه شکل‌گیری تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی (تهدیدهای نرم) معرفی می‌کنند.

انقلاب اسلامی به عنوان یک اندیشه و الگوی سیاسی نوین، با به چالش کشیدن ارزش‌ها و الگوی سیاسی لیبرال دموکراسی، ضربه سنگینی بر استیلای جهان غرب، وارد کرد. نظام سلطه، تمامی اشکال براندازی «سخت» از جمله جنگ نظامی و کمک به گروه‌های معاند برانداز و «نیمه سخت» از جمله شورش، کودتا و نفوذ را در یک دهه علیه انقلاب تجربه کرد. ایستادگی و مقاومت ملت ایران با رهبری حضرت امام - رضوان الله علیه - قدرت‌های مستکبر را به این واقعیت رهنمون ساخت که استفاده از گزینه سخت و نیمه سخت نمی‌تواند در برابر ایمان و اعتقاد مردم ایران کارآمد باشد، بلکه برعکس موجب برانگیختن، وحدت و همبستگی هر چه بیشتر ملت ایران می‌شود. پس از اعتراف این قدرت‌ها بر شکست خود در بهره‌گیری از قدرت نظامی، سیاسی و امنیتی در مقابله با نظام جمهوری اسلامی، آنها مقابله‌ای پیچیده‌تر از پیش را با بهره‌گیری از قدرت نرم آغاز کردند. تقابلی که رهبری معظم انقلاب از همان آغاز دهه هفتاد با ادبیات و تعابیر گوناگون مانند تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی (نائینی ب، ۱۳۸۷) و شیخون فرهنگی و به‌تازگی جنگ و براندازی نرم خطر آن را گوشزد کرد و مسئولان نظام را به چاره‌اندیشی در برابر آن فراخواند.

تهدید سخت عبارت از اعمال قدرت نظامی برای تحمیل اراده و تأمین منافع است. در این نوع تهدید، هدف، اشغال سرزمین است. تهدید سخت، متکی بر روش‌های فیزیکی، عینی و سخت‌افزارانه است. رفتار خشونت‌آمیز، براندازی آشکار، حذف دفاعی، اشغال، تجزیه و الحاق سرزمین، ویژگی این تهدید است. ظهور و پیشینه تاریخی این تهدید مربوط به دوره استعمار کهن بوده که نظام‌های سلطه با استفاده از لشکرکشی، کشتار، تصرف سرزمین و الحاق آن (ایجاد مستملکات و مستعمرات)، اراده خود را تحمیل و منافع خویش را تأمین کرده‌اند. جنگ داخلی، اشغال نظامی محدود، بمباران مراکز راهبردی، اشغال نظامی گسترده، جنگ نیابتی، کنترل مسیر انرژی و... اشکال تهدید سخت به‌شمار می‌آیند.

تهدید نیمه سخت نیز عبارت از اعمال قدرت از راه نفوذ در نظام سیاسی - امنیتی یک کشور برای تحمیل اراده و تأمین منافع است. هدف این نوع تهدید، اشغال حکومت و نهادهای حاکمیت است. تهدیدهای نیمه سخت، متکی بر کاربرد نظام اطلاعاتی - امنیتی و نفوذ در دولت‌هاست که روش‌های آن، بنا به شرایط، ترکیبی از ابزارهای سخت و نرم است. ظهور این تهدیدها مربوط به دوره استعمارنو بوده که نظام‌های سلطه با استفاده از کاربرد قدرت امنیتی و بدون بهره‌گیری از لشکرکشی و اشغال فیزیکی سرزمین، نظام حکومت و سیاست یک کشور را در اختیار خود قرار داده و از این طریق به تحمیل اراده پرداخته و منافع خود را تأمین کرده‌اند. کودتا، شورش، اعتراض، انقلاب مخملی، جرایم سازمان‌یافته، انقلاب رنگی و... اشکال جنگ و تهدید نیمه سخت به شمار می‌آید.

تهدید نرم، مجموعه‌ای از تحولاتی است که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی گردد (نائینی الف، ۱۳۸۷). در این نوع تهدید، هدف، دگرگونی هویت فرهنگی و تخریب الگوی سیاسی در ذهن است. تهدیدهای نرم متکی بر روش‌های نرم‌افزارانه، و به لحاظ ماهیت انتزاعی، نامحسوس و تدریجی است. همچنین این نوع تهدیدها، عرصه‌های مختلف اجتماعی را در بر می‌گیرد. ظهور این تهدیدها مربوط به دوره استعمار فرانو یا جهانی‌سازی فرهنگ می‌باشد. پیامد تهدید نرم، دگرگونی هویت و الگوهای مورد قبول یک نظام سیاسی در عرصه‌های مختلف است. تهدید نرم، مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی شده است، که زمینه‌های تغییر باورها و ارزش‌های بنیادین، دگرگونی هویت ملی، تخریب الگوی سیاسی موجود و سرانجام نافرمانی مدنی را فراهم می‌سازد. انقلاب نرم، جنگ رسانه‌ای، جنگ روانی، استحاله، عملیات روانی، تهاجم فرهنگی و... اشکال جنگ و تهدید نرم به شمار می‌آیند.

تهدیدهای نرم به لحاظ سطح دارای دو سطح راهبردی و ملی هستند. هدف در سطح راهبردی، تأثیرگذاری بر برآورد، ادراک و فرایند تصمیم‌گیری نخبگان و مسئولان

کشور است، در حالی که هدف در سطح ملی، تأثیرگذاری بر باورها و الگوی رفتاری مردمان کشور هدف است. همچنین تهدیدهای نرم به لحاظ موضوع شامل تهدیدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. تهدیدهایی که معطوف به اندیشه، ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های اعتقادی و دینی یک ملت و نظام است، تهدیدهای فرهنگی است. تهدیدهای اجتماعی، معطوف به آداب و رسوم و الگوهای رفتار اجتماعی یک کشور و ملت هستند. تهدیدهای اقتصادی تهدیدهایی است که معطوف به اندیشه اقتصادی، الگوی مصرف و تولید در یک کشور و ملت است. تهدیدهایی که معطوف به اندیشه سیاسی، نهادها، ساختارها و بنیان‌های حکومتی یک کشور و ملت است، تهدیدهای سیاسی است.

گاهی تهدید و جنگ نرم جایگزین تهدید سخت و نیمه سخت می‌شود و گاهی تهدید و جنگ نرم مکمل دو نوع تهدید دیگر است. ممکن است این پرسش مطرح شود که چه زمانی تهدید سیاسی از حوزه نرم به نیمه سخت منتقل می‌گردد؟ در پاسخ می‌توان گفت تهدیدها تا زمانی که ماهیت گفتاری و نرم‌افزارانه دارند یا به عبارتی هدف آنها، تأثیرگذاری بر باور، ارزش و هویت باشد، در حوزه تهدید نرم و زمانی که ماهیت رفتاری و سخت‌افزارانه یافت، یا به عبارتی کف خیابانی شدند، ساختارها را هدف گرفته و به شکل تنش، بحران و شورش و مخالفت با نظام ظهور و بروز یافتند، در حوزه نیمه سخت تعریف می‌شوند. بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی با هدف تخریب الگوی سیاسی مستقر و موجود در ذهن جامعه را می‌توان در حوزه تهدید و جنگ نرم به شمار آورد. البته برانگیختن مردم برای رفتار خشنونت‌آمیز علیه دولت، در حوزه نیمه سخت تعریف می‌گردد.

۳. بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه

تهدیدهای سه‌گانه سخت، نیمه سخت و نرم را با معیار ماهیت، ویژگی، هدف‌های مرجع، ابزار، روش و پیامد می‌توان بررسی تطبیقی کرد. معیار ماهیت ناظر بر جنس و

چیستی تهدید است و جنس پدیده‌ها بیانگر متفاوت بودن هستی آنهاست. با توجه به معیارهایی که در جدول صفحه‌های بعد به آنها اشاره شده است، هدف‌های مرجع تهدید، دارایی‌های کلیدی و ارزش‌های پایه‌ای هستند که در تهدید، مورد هدف قرار می‌گیرند. به خطر افتادن آنها موجب تولید مسئله امنیت ملی می‌شود. پیامدهای تهدید شامل، میزان صدمات، آثار و پیامدهای تخریبی ناشی از اعمال تهدیدی است که بر هدف‌های مرجع و دارایی‌های راهبردی وارد می‌شود. پیامدهای تهدید به لحاظ گستردگی، عمق و شدت می‌توانند متفاوت باشند. همچنین ابزار و روش‌های اعمال تهدیدهای سه‌گانه متفاوت است. داده‌های این بخش با بهره‌گیری از مطالعات بیشتر منابع موجود اخیر در حوزه امنیت پژوهی نرم و مقاله‌های پیشین نویسنده به دست آمده است. به عنوان جمع‌بندی، مؤلفه‌های زیر را می‌توان برای بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه برشمرد:

(۱) تهدیدهای سخت به لحاظ ماهیت؛ منازعه‌ای مستقیم، سخت‌افزارانه و عینی هستند، در حالی که تهدیدهای نرم از نظر ماهیت، منازعه‌ای غیرمستقیم، نرم‌افزارانه، نامرئی و ذهنی می‌باشند. تهدید نیمه سخت از جهت ماهیت، در مقایسه با تهدیدهای نرم از عینیت بیشتر برخوردار بوده و با توجه به کاربرد روش‌های قهرآمیز، ماهیت سخت‌افزاری بیشتری دارد.

(۲) منبع تهدید سخت، اغلب تضاد منافع بازیگران و تعارضات مرزی و ژئوپلیتیکی است، در صورتی که منبع تهدید نیمه سخت، تعارض در اندیشه سیاسی و الگوی حکومت و منبع تهدید نرم در تعارض ایدئولوژیک است.

(۳) عوامل و بازیگران اصلی در تهدیدهای سخت را می‌توان، نیروهای مسلح نظام سلطه نام برد، در حالی که عوامل و بازیگران اصلی تهدیدهای نیمه سخت، حزب‌ها و گروه‌های سیاسی معارض و عوامل داخلی برانداز دشمن می‌باشند. عوامل و

بازیگران اصلی تهدیدهای نرم، کانون‌های تفکر و مراکز مطالعاتی است که الگوسازی و نظریه‌پردازی جنگ نرم را بر عهده دارند.

(۴) هدف‌های مرجع تهدید سخت؛ تمامیت ارضی، توان دفاعی - امنیتی، تأسیسات و زیرساخت‌ها و تسلیحات راهبردی کشور است، در صورتی که هدف‌های مرجع تهدید نیمه سخت؛ اعتماد عمومی، انسجام سیاسی، کارآمدی دولت و مشارکت سیاسی می‌باشد. در تهدید نرم، هدف‌های مرجع، باور و ارزش‌های پایه، افکار عمومی، سبک زندگی، هویت ملی و انسجام اجتماعی است.

(۵) مهم‌ترین شیوه‌های تهدید نرم؛ عملیات روانی، مدیریت ادراک و دیپلماسی عمومی می‌باشد. انقلاب‌های رنگی و مخملین، شورش و اغتشاش، مدیریت نارضایتی‌ها، جذب مخالفان حکومت و طراحی عملیات ویژه و پنهانی از جمله شیوه‌های تهدید نیمه سخت به شمار می‌آیند. حمله گسترده و تمام‌عیار با هدف اشغال کشور، تهاجم نظامی با هدف نابودی زیرساخت‌های حیاتی کشور و اقدامات تروریستی از راه حمایت از گروه‌های معارض مسلح، مهم‌ترین شیوه‌های تهدید سخت می‌باشد.

(۶) پیامدهای تهدید نرم؛ تغییر باور، افکار و رفتار پایه و هویت‌دهنده ملی و در نهایت استحاله فرهنگی است، و پیامدهای تهدید نیمه سخت را می‌توان کاهش اعتماد به دولت، تضعیف مشارکت، مشروعیت و انسجام سیاسی نام برد. همچنین پیامدهای تهدید سخت؛ مخدوش شدن تمامیت ارضی، تخریب مراکز حساس، برهم خوردن توازن قوا و تضعیف نیروهای مسلح می‌باشد.

(۷) مهم‌ترین ابزارهای تهدید نرم؛ تولیدات و صنایع فرهنگی، رسانه‌های جمعی در فضای حقیقی و فضای مجازی به شمار می‌آیند. جاسوسی، ضد جاسوسی، تجهیزات فنی و منابع انسانی اطلاعاتی، مهم‌ترین ابزارهای تهدید نیمه سخت و همچنین تجهیزات و فناوری‌های نظامی، گروه‌های معارض مسلح، مهم‌ترین ابزارهای تهدید سخت می‌باشند.

(۸) هدف در تهدید سخت، تغییر ساختار از راه تصرف و یا الحاق سرزمین است، در حالی که هدف در تهدید نیمه سخت، تغییر رفتار از راه تأثیرگذاری بر حاکمیت و دولت مستقر می‌باشد. در تهدید نرم، هدف، تغییر باور و افکار از راه تأثیرگذاری بر ذهن و قلب مردم است.

جدول ۲. بررسی تطبیقی مؤلفه‌های تهدیدهای سه‌گانه

تهدیدهای بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه	تهدیدهای نرم	تهدیدهای نیمه سخت	تهدیدهای سخت
ماهیت تهدیدها	۱. ذهنی و غیر قابل درک ۲. غیر خشنونت‌آمیز ۳. نرم‌افزارانه ۴. ماهیت اجتماعی ۵. منازعه نامریی	۱. قابل درک بیشتر ۲. غلبه سخت‌افزاری ۳. رفتاری و قهرآمیز ۴. ماهیت سیاسی ۵. منازعه غیر مستقیم	۱. عینی و قابل درک ۲. خشنونت‌آمیز ۳. سخت‌افزارانه ۴. ماهیت امنیتی ۵. منازعه مستقیم
ویژگی تهدیدها	۱. اعمال در بسترهای عرفی ۲. چند وجهی بودن ۳. وسیع بودن گستره و پیامد ۴. تدریجی و بطئی بودن ۵. پایین بودن تبعات رولنی برای مهاجم ۶. جامعه‌محور بودن ۷. آسیب‌محور بودن	۱. سری و طبقه‌بندی بودن اقدامات ۲. بهره‌گیری از ابزار و روش‌های ترکیبی ۳. پنهانی بودن اقدامها ۴. پیچیده بودن اقدامها ۵. متکی بر انکار و فریب ۶. هیجان‌ساز بودن	۱. آشکار و علنی بودن ۲. استفاده از ابزارهای مرگبار ۳. کشتار و حذف فیزیکی ۴. مشخص بودن لچمن دشمن ۵. خارج‌محور بودن تهدید ۶. دولت‌محور بودن تهدید ۷. فاعل‌محور بودن تهدید
عوامل و بازیگران تهدیدها	۱. کانون‌های تفکر و مراکز مطالعاتی ۲. مراکز فرهنگی، هنری و آموزشی ۳. عناصر اصلی نظریه‌پرداز جنگ نرم ۴. صاحبان سرمایه در صنعت فرهنگی ۵. سمن‌های (سازمان‌های مردم‌نهاد) واگرا	۱. حزب‌ها و گروه‌های سیاسی معارض ۲. سازمان‌های اطلاعاتی دشمن ۳. تشکل‌های صنفی و قومی واگرا ۴. سازمان‌های هدایت‌کننده جنگ نرم ۵. عناصر نفوذی و تحت حمایت دشمن	۱. دولت‌های سلطه‌گر ۲. نیروهای مسلح ۳. ضدانقلاب مسلح ۴. نهادهای امنیتی منطقه‌ای ۵. سازمان‌های امنیتی بین‌المللی

ادامه جدول ۲.

تهدیدهای سخت	تهدیدهای نیمه سخت	تهدیدهای نرم	مؤلفه‌های بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه
۱. اختلافات مرزی و ژئوپلیتیکی ۲. توسعه‌طلبی سرزمینی ۳. برهم خوردن موازنه قوا ۴. توسعه فناوری‌های تسلیحاتی ۵. فقدان بازدارندگی دفاعی ۶. فقدان روحیه ملی و دفاعی ۷. رقابت تسلیحاتی	۱. تعارض در ایده و الگوی حکومت ۲. بحران مشروعیت سیاسی ۳. بحران اعتماد عمومی ۴. بحران کارآمدی و مدیریت ۵. بحران انسجام سیاسی ۶. غفلت امنیتی ۷. فقدان ثبات سیاسی	۱. ایدئولوژی‌های معارض ۲. آسیب‌پذیری‌های داخلی ۳. قدرت نرم علمی دشمن ۴. قدرت نرم رسانه‌های دشمن ۵. قدرت صنایع فرهنگی دشمن ۶. توان دیپلماسی عمومی دشمن ۷. ظرفیت موجود واگرایی در داخل	منابع و بسترهای تشدیدکننده تهدیدها
۱. تمامیت ارضی ۲. منابع و ذخایر انرژی ۳. زیرساخت‌های کشور ۴. تسلیحات راهبردی ۵. توان دفاعی - امنیتی	۱. اعتماد عمومی ۲. انسجام سیاسی ۳. مقبولیت سیاسی ۴. کارآمدی دولت ۵. مشارکت سیاسی	۱. باور و ارزش‌های پایه ۲. افکار عمومی ۳. سبک زندگی ۴. هویت ملی ۵. انسجام اجتماعی	هدف‌های مرجع تهدیدها
۱. جنگ تمام عیار ۲. جنگ محدود ۳. بمباران راهبردی ۴. جنگ نیابتی ۵. اقدامات تروریستی ۶. عملیات ویژه و پنهانی ۷. اشغال و الحاق سرزمین	۱. انقلاب‌های رنگی ۲. کودتای مخملین ۳. شورش ۴. اغتشاش ۵. همکاری نکردن با حکومت ۶. جذب مخالفان حکومت ۷. جنگ و مقابله شبکه‌ای	۱. عملیات روانی ۲. مدیریت ادراک ۳. دیپلماسی عمومی ۴. شبکه‌سازی اجتماعی ۵. شبکه‌سازی مجازی ۶. فریب راهبردی ۷. اعتراض غیرخشونت‌آمیز	روش‌های اعمال تهدیدها
۱. نیروی مسلح ۲. تجهیزات نظامی ۳. گروه‌های معارض مسلح ۴. فناوری‌های نظامی ۵. پایگاه‌های نظامی ۶. اتحادها و ائتلاف‌های نظامی ۷. جاسوسی نظامی	۱. جاسوسی ۲. ضد جاسوسی ۳. تجهیزات فنی اطلاعاتی ۴. منابع اطلاعاتی ۵. نقشه و عکس هوایی ۶. سفارتخانه‌های خارجی ۷. گروه‌های معارض	۱. تولیدات و صنایع فرهنگی ۲. رسانه‌های جمعی ۳. فضای مجازی ۴. نمادها و الگوهای ضد ارزش‌های پایه ۵. نظریه‌پردازی در جهت تحقق تهدید نرم ۶. سلول‌های غریب‌فکر با دشمن ۷. تولید و عرضه سازمان‌یافته مواد مخدر	ابزارهای اعمال تهدیدها

ادامه جدول ۲.

تهدیدهای سخت	تهدیدهای نیمه سخت	تهدیدهای نرم	مؤلفه‌های بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه
۱. مخدوش شدن تمامیت ارضی ۲. کاهش سرمایه‌های انسانی ۳. تخریب مراکز حساس ۳. برهم خوردن توازن قوا ۴. تضعیف نیروهای مسلح ۵. تصرف مناطق راهبردی ۶. وابستگی نظامی	۱. کاهش اعتماد و نفوذ دولت ۲. کاهش یا فقدان مشارکت سیاسی ۳. کاهش یا فقدان ثبات سیاسی ۴. افزایش نرخ رفتار خشنونت‌آمیز ۵. کاهش یا فقدان مشروعیت ۶. تضعیف وحدت و انسجام سیاسی ۷. اختلال در سامانه‌های اطلاعاتی	۱. تغییر افکار پایه و هویت‌دهنده ۲. تغییر نگرش و ارزش‌های پایه ۳. تضعیف هویت ملی ۴. کاهش دلبستگی ملی ۵. وابستگی علمی ۶. کاهش انسجام اجتماعی ۷. کاهش روحیه ملی	پيامد و شاخص‌های تهدیدها
۱. تقویت روحیه ایشار و شهادت ۲. تقویت روحیه مقاومت ۳. تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در نیروهای مسلح ۴. تقویت صنعت دفاعی ۵. ارتقای مهارت و شایستگی‌های نیروهای مسلح ۶. ایجاد بازدارندگی دفاعی ۷. انتراف اطلاعات نظامی	۱. افزایش شاخص‌های مشارکت ۲. تقویت انسجام سیاسی ۳. تقویت اعتماد عمومی ۴. افزایش نفوذ در محیط خارجی ۵. افزایش کارآمدی دولت ۶. استقلال و خودکفایی اقتصادی ۷. انتراف اطلاعات امنیتی	۱. تقویت روحیه ملی ۲. افزایش قدرت اقتناع‌گری افکار عمومی ۳. نفوذ معنوی و ایدئولوژیک حاکمیت ۴. تعمیق باورها و ترویج ارزش‌های اسلام ناب ۵. افزایش کمی و کیفی تولید فرهنگی و رسانه‌ای ۶. تأکید بر افتخارات دینی، ملی و انقلابی ۷. خودباوری و استقلال علمی	امنیت‌سازی و شیوه مقابله با تهدید

نتیجه‌گیری

گفتمان‌های امنیتی نرم اخیر، موجب تحول در مفهوم قدرت، امنیت و تهدید گردیده است. در گفتمان سنتی، امنیت با نبود عاملی دیگر که از آن به تهدید یاد می‌شود، تعریف شده است. این گفتمان دارای پیشینه تاریخی طولانی است. شاخص بارز آن، تأکید بر بُعد نظامی در تحلیل امنیت و تهدیدهاست. بر این مبنا، برای مقابله با تهدید، بر مؤلفه قدرت نظامی تأکید می‌شود و راهبرد آن، افزایش قدرت نظامی می‌باشد. در

گفتمان نوین امنیت ملی، تهدیدها و قدرت چندوجهی و دارای ابعاد گوناگون و پیچیده است. به عبارت دیگر، امنیت، تهدید و قدرت پدیده‌ای متأثر از پدیده‌های مختلف مادی و ذهنی، و دارای وجوه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. در این گفتمان قدرت نرم بنیاد، زیرساخت و جوهر اصلی امنیت همه‌جانبه یک نظام سیاسی خواهد بود. برخی از صاحب‌نظران داخلی و خارجی تلاش نموده‌اند، تا با ارائه شاخص، عمده‌ترین گونه‌های تهدید را بررسی و تقسیم‌بندی نمایند. آنها دسته‌بندی‌های مختلفی را در مورد تهدیدهای امنیت ملی ارائه کرده‌اند و در دسته‌بندی تهدیدها، از شاخص‌هایی از جمله سطح، ابعاد، قلمرو، موضوع، منبع، شدت، دامنه، عمق و... بهره گرفته شده است. نوع دیگر طبقه‌بندی تهدیدها که به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، طبقه‌بندی تهدیدها براساس «روش اعمال و پیامد تهدید» است. بر اساس این شاخص، تهدیدهای امنیت ملی به تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم شده است. تاکنون تلقی واحدی در مورد تهدید سخت، نیمه سخت و نرم وجود ندارد. طبقه‌بندی تهدیدات بر این اساس در واقع با خلق مفهوم تهدیدهای نرم در داخل کشور و قدرت نرم در خاج از کشور در دو دهه اخیر ایجاد شده است. این مفهوم و همچنین مفهوم جنگ نرم، بیش از آنکه مفهوم وارداتی باشد، بر اساس ضرورت‌های کشور ساخته شده است. گروهی از محققان با مطالعه سیر تطور و تکوین تاریخی روش‌های سلطه و تهدید و جنگ، آنها را به لحاظ شدت، شکل و ابزار رسیدن به هدف و اعمال قدرت، دسته‌بندی و با عناوین گوناگون نامگذاری کرده‌اند. این محققان و نویسندگان معتقدند شناخت تهدیدهای نرم و عرصه‌ها و مصادیق آن، نیازمند بررسی سیر تکوین تاریخی جنگ‌ها یا به عبارت دیگر بررسی سیر تطور تاریخی نظام‌های سلطه است. از نظر آنان، برای اعمال اراده و تأمین منافع و هدف‌های حیاتی نظام‌های سلطه بر جهان، سه مقطع تاریخی را می‌توان برشمرد این سه مقطع عبارت است از: «استعمار کهن» (دوره تهدیدهای سخت)، «استعمار نو» (دوره تهدیدهای نیمه سخت) و «استعمار فرانون»

(دوره تهدیدهای نرم). این گروه معتقدند، در طول تاریخ، ماهیت و راهبرد سلطه متفاوت بوده، و در هر دوره، متناسب با هدف‌ها، منافع و شرایط، مصادیق، ابزار و شیوه‌های متفاوتی برای اعمال اراده و تأمین منافع به کار رفته است. در این مقاله تلاش گردید با معیارهای ماهیت، ویژگی‌ها، هدف‌های مرجع، ابزار، روش و پیامد تهدیدهای سه‌گانه سخت، نیمه سخت و نرم بررسی تطبیقی گردد. این نوع طبقه‌بندی از تهدیدها می‌تواند، به تبیین و شناخت شرایط کنونی که به‌عنوان راهبرد جنگ نرم مطرح گردیده، کمک نماید.

Archive of SID

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی تهدید*، تهران، دوره عالی جنگ دانشگاه امام حسین (ع).
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، دو چهره قدرت نرم، در: قدرت نرم؛ معنا و مفهوم، *مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، مرکز مطالعات بسیج
۳. بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹)، *جنگ نرم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۶. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، تهدید در نظریه‌های امنیت، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال هفتم، شماره ۲۷.
۷. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، *تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۸. عسگری، محمود (زمستان ۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر فرهنگ استراتژیک، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره دهم.
۹. گروه مطالعاتی امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷)، *تهدیدات قدرت ملی: شاخص‌ها و ابعاد*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۰. ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. منصوری، جواد (۱۳۸۵)، *استعمار فرانو، نظام سلطه در قرن بیست و یکم*، تهران، امیرکبیر.
۱۲. نائینی، علی محمد (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم آمریکا علیه ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هفتم، شماره ۲۵.
۱۳. نائینی، علی محمد (الف ۱۳۸۷)، نگرش راهبردی به پدیده جهانی شدن فرهنگ و پیامدهای آن، *فصلنامه سیاسی راهبردی*، سال اول، شماره یک.
۱۴. نائینی، علی محمد (ب ۱۳۸۷)، ناتوی فرهنگی و راهبرهای مقابله با آن، *فصلنامه عملیات روانی*، سال چهارم، شماره ۱۴.

۲. منابع انگلیسی

1. Nye, Joseph, *Soft Power: the Means to Success in World Politics*, New York, Public Affairs, 2004.

Archive of SID